

ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر - هر کس حق دارد کار کند ،
کار خود را آزادانه انتخاب نماید ؛ شرایط منصفانه و رضایت -
بخشی برای کار خواستار باشد ...

آزادی انتخاب شغل و پیشه

- * نظام طبقاتی .
- * مساوات همه جانبه .
- * انواع شغلها و پیشه ها .

پایه و اساس حکومت اشرافی ایران و روم و برخی دیگر از ممالک آسیائی و اروپائی را پیش از اسلام ؛ طبقات مختلف تشکیل میداد ؛ و مردم بچند طبقه متمایز تقسیم میشدند و مانند تمام حکومتهای اشرافی ، افراد هر طبقه دارای امتیازات مخصوص بخود آن طبقه بوده و بهیچوجه حق نداشتند ؛ از حدود امتیازات خود ؛ پافرا تر نهاده ، مشاغل دیگران را بعهده بگیرند ؛ مثلاً در زمان هخامنشیان ؛ جامعه ایرانی بسه دسته و گروه تقسیم میشد ؛ روحانیان ، جنگجویان و کشاورزان .

ولی بعد از طبقه دیگری بنام صنعتگران ، بان افزوده شد اما نژاد آریائی یعنی ایرانی اصلی جز به شغل اولی اشتغال نمیورزیدند ، و صنعت و تجارت و هنر را ؛ جز حرفه های پست بشمار می آوردند و شایسته مردم ایرانی الاصل نمیدانستند ؛

در زمان ساسانیان ، نیز جامعه ایرانی بچهار دسته تقسیم میشد ؛ با این امتیاز که صنعتگران و کشاورزان را جزو طبقه چهارم بحساب آورده و بجای طبقه کشاورزان ؛ دیران و کارمندان قرار دادند . بنا بر این ، طبقات ؛ در این دوره باین ترتیب بود ؛ روحانیان ؛ جنگجویان ، دیران یا کارمندان ادارات ؛ و توده ملت یعنی ؛ فلاحان ، صنعتگران ؛ سوداگران ؛ صاحبان

هنر و حرفه‌های گوناگون (۱) .

البته همانطوریکه تذکر داده شد ؛ در حکومت اشرافی ، هیچکس حق ندارد ، بیرون از دایره امتیازات و طبقات مخصوص بخود ؛ بفعالیت بپردازد ؛ و در انتخاب هر نوع شغل و پیشه آزاد باشد .

حکیم فردوسی در شاهنامه ، داستانی در این زمینه بشرح زیر آورده است : هنگامیکه انوشیروان ، برای مبارزه با رومیان ؛ تجهیز لشکر میکرد ؛ نیازمند به سیصد هزار دینار شد ؛ مأموری فرستاد تا این مبلغ را از یکی از بازرگانان یادحقانان متمول وام گیرد ؛ مأمور ، کفش-فروشی را پیدا کرد که او حاضر شد چهارصد هزار درهم وام دهد ؛ باین شرط که شاه اجازه دهد ؛ پس رالیق و با استعداد او را فرهنگیان ، تحت تعلیم و تربیت لارم قرار داده تا شاید در آینده جزء طبقهٔ دیران و کارمندان دولت درآید .

مأمور در مهارا گرفت و درخواست او را وسیلهٔ بود زجر مهر ، بشاه عرضه داشت :

بدوگفت شاهای خردمند مرد	چرا دیو چشم ترا خیره کرد ؟ .
برو همچنان بازگردان شتر	مهادا کزو سیم خواهیم و در
چو بازاریگان بیچه ؛ گردد دیر	هنرمند و بادانش و یادگیر
چو فرزند ما بر نشیند به تخت	دبیری ببایدش پیروز بخت
هنر باید از مرد موزه فروش	سپارد برو چشم بینا و گوش
بدست خردمند مرد نژاد	نماند بجز حسرت و سرد باد
بما بر پس مرگ نفرین بود	چو آئین این روزگار این بود

منتسکیو نیز در احوال مردم یونان اینطور مینویسد : جامعهٔ یونانیرا ، بایستی جامعهٔ ورزشکاران و جنگجویان تلقی نمود ، زیرا جزعهٔ خاصی از بردگان و اسیران و دیگران حق نداشتند بتجارت و فلاح و صنعت و نظائر اینها اشتغال ورزند و روی همین جهت ؛ افلاطون در کتاب قوانین خود ، دستور میدهد ؛ هر فردی را که به تجارت بپردازد ؛ تنبیه کنند ؛ (۲)

با در نظر داشتن ، مطالب یاد شده ؛ اینمطلب بخوبی روشن گردید که در دنیای متمدن ایران و روم و یونان آنروز ، انتخاب شغل و پیشه ، آزاد نبوده مردم رشد و لیاقت و شایستگی را مملکت تصدیق مناصب و مشاغل ؛ نمیدانستند و تنها حساب راروی امتیازات طبقاتی میبردند ؛ اینکه لازم است ، نظریهٔ اسلام را در این زمینه بدست آوریم :

(۱) اقتباس از کتاب : حقوق زن در اسلام و اروپا صفحه ۲۶ - ۳۰

(۲) روح القوانین صفحه ۱۳۸ چاپ چهارم

مساوات همه‌جانبه

در آندورانی که زنجیر محکمی از نظام طبقاتی دست و پای بشریت را بسته بود و از بسیاری از آزادی‌های انسانی، مردم را محروم کرده بود، اسلام آمد و با مساوات همه‌جانبه‌ای که آورد نظام پوسیده طبقاتی را درهم ریخت و دست و پای بشریت را از این زنجیر استعمار و بردگی رها ساخت و با و تا حدود ممکن آزادی بخشید.

پیغمبر فرمود: «خداوند! آقائی کسان را که در زمان جاهلیت؛ بی‌جهت بر مردم آقائی مینمودند؛ ملغی ساخت؛ و با آنها نیکه در دوران قبل از اسلام محروم و بیچاره بودند، شرف و آقائی بخشید، آنان نیکه در عصر تاریک جهالت، ذلیل بودند از راه اسلام عزیز گشتند، بوسیله اسلام کاخ‌های موهم خود پسندی و تفاخر قبیله‌گی و نژادی دوران سیاه جهالت واژگون گردید. امروز دیگر، همه مردم، سفید و سیاه، قریش و عرب و عجم برابرند؛ همه از فرزندان آدم و آدم هم انسانی است که خداوند او را از خاک آفریده؛ محبوب‌ترین مردم در پیشگاه خداوند مطیع‌ترین و پرهیزکارترین آنهاست.»

ای جویبر؛ امروز کسی را برتر از تو نمیدانم؛ مگر آنکه پرهیزکاری و اطاعتش از خداوند، از تو بیشتر باشد..» (۱)

این عبارات مانند صدها عبارات دیگر بکه از خدا و پیشوایان دینی؛ در این زمینه وارد شده است، گویا تری منطقی است که مساوات همه‌جانبه اسلامی را اعلام میدارد و کوبنده‌ترین حربه‌ایست که علیه نظام پوسیده طبقاتی بکار برده شده است.

اسلام بدینوسیله کاخ پولادین نظام طبقاتی آن روز را ویران کرد و تمام مردم را در یک سطح و مرتبه قرارداد و هیچکدام از مناصب و مشاغل را مانع انتخاب شغل و پیشه دیگر ندانسته است از این جهت در تاریخ پیامبران و پیشوایان مذهبی میخوانیم که هر کدام دارای شغل و پیشه‌ای بوده و در عین حال کارهای آموزشی و پرورشی خود را ادامه میدادند مثلاً داود پیغمبر با هنگری، سلیمان بزنبیل با فنی؛ ابراهیم و موسی بدام داری محمد (ص) با بازرگانی، علی و خاندان او بکشاورزی؛ اشغال داشتند و این واقعیت تاریخی خود نشانه صدق گفتار ما است.

پیغمبر اسلام تا آنجا در تحقق بخشیدن این آرمان مقدس کوشش کرد که هنگامیکه بین مهاجرین و انصار، عقداخوت و برادری برقرار میساخت؛ میان حمزه عموی خود و زید غلام خویش؛ میان ابوبکر و خارجه بن زیاد که برده‌ای از بردگان بود و هم‌چنین میان خالد ابن رویحه و بلال ابن رباح؛ عقداخوت برقرار نمود.

اسلام بر خلاف حکومت اشرافی که هیچ طبقه‌ای حق ارتقاء به طبقه بالاتر و تصدی مشاغل طبقه دیگر را ندارد ؛ با بودن افراد آزاده ؛ بردگانی مانند ؛ زیدرا امیر لشکر، در جنگ موته ، اسامه را سردار لشکر در جنگ بارومیان ؛ عمار یاسر را استاندار کوفه ؛ سلمان فارسی را استاندار مدائن ... قرارداده است (۱)

اسلام بر خلاف نظامهای پوسیده ای که اجازه نمیداد ، بازرگان زاده ها و فرزندان کشاورزان ؛ هنرمندان ؛ صاحبان حرفه‌ها در مقام تحصیل دانش و معرفت بر آیند و استعداد های خود را از قوه بفعل آورده ، در اثر شایستگی و لیاقت ، پست های حساس روحانی و اداره مملکت را بعهده بگیرند ، تحصیل دانش را بطور رایگان بر همه واجب ساخته و حصار امتیازات بی اساس طبقاتی را از میان برداشته است و اجازه داده که هر کسی طبق لیاقت و شایستگی که دارد ، هر منصب و شغل و پیشه‌ای را که میخواهد انتخاب نماید و این آزادی بود که باعث گردید ، در مدت کوتاهی از میان فرزندان بردگان و کشاورزان و پیشه‌وران ، دانشمندان و فقهاء عالی‌مقامی بوجود آیند و منصبهای فتوی و روایت را بعهده بگیرند ؛

در بصره حسن بصری ، و در مکه مجاهد ؛ عطاء و طاووس و در مصر زید ابن حبیب که از موالی زادگان (نژاد غیر عربی) بودند ؛ مناصب فتوی و قضاوت را بعهده داشتند . ابوحنیفه که از ائمه اهل سنت و جماعت است ، دارای شغل خزازی (۲) بود ، احمد ابن عمر ابن مهیر ؛ مؤلف کتاب خراج ؛ کفاح بود . اسامی دانشمندان و روایتی مانند ؛ کر ابیسی که شغلش کرباس-فروشی بود ؛ قفال که شغل او قفل سازی بود ؛ جصاص که کارش گچ فروشی ، یا گچ کاری بود ؛ صفار که پیشه اش سفید گری بود ؛ صیدلانی که عطر فروش بود ؛ حلوانی که حلوا فروش بود ؛ دقاق صابونی ؛ نعالی ، بقالی ، قدوری و غیر اینها را در تاریخ تربیت شدگان مکتب اسلام می یابیم (۲) و اینها بهترین گواه این حقیقت است که اسلام ، شخصیت را در دایره فضائل و کمالات علمی و اخلاقی محصور نمیکند و آزادی انتخاب شغل و پیشه را مقدس می شمارد .

انواع شغلها و پیشه ها

اسلام ؛ در عین آنکه انتخاب شغل و پیشه را موکول بذوق و سلیقه و لیاقت افراد کرده

(۱) العدالة الاجتماعية فی الاسلام از استاد سید قطب ص ۱۶۰ .

(۲) خزاز یعنی فروشنده خز که عبارت از پارچه حریری است که از پشم و

حریر بافته میشود .

(۳) العدالة الاجتماعية ص ۱۶۳

است ؛ در عین حال ؛ در اصل شغلها و پیشهها نظارت کافی را دارد و بسیاری از مشاغل و کارها را اکیداً ممنوع کرده و برخی دیگر را هم واجب ؛ مستحب و مکروه دانسته است .

البته بایستی در نظر داشت که اینمقدار محدودیت را نباید سلب آزادی در انتخاب شغل و پیشه دانست زیرا اصل زندگی اجتماعی و وجود قانون برای تنظیم امور زندگی مساوی با جلوگیری از بی بندوباری و تاملین کردن آزادی واقعی است . اسلام مانند سایر قوانینی است که آزادیها را تا مرز قانون و مصالح زندگی محدود می کند ؛ همانطوریکه قوانین معموله بشری ، بسیاری از کارها مانند ؛ دزدی ، آدم کشی ، تقلب ، خیانت و غیره را حرام و غیر مجاز میدانند ؛ اسلام نیز برخی از کارها و مشاغل را در اثر مفاسد ؛ و اثرات سوئی که در روح و روابط افراد ؛ دارند ؛ بحسب شدت وضعف ؛ حرام و مکروه قرار داده ؛ و برخی دیگر از کارها و مشاغل را از جهت مصالحی که دارند ؛ واجب و مستحب قرار داده است .

مثلاً کارهایی از قبیل : شراب فروشی ؛ فروش آلات لهو و آلات قمار ، تصدی مشاغلیکه کمک بستمگران است ؛ و نظائر اینها که دارای مفاسد قطعی و ضررهای اجتماعی هستند ؛ اسلام ، حرام کرده ، و مردم را در انتخاب اینگونه شغلها و پیشهها آزاد قرار نداده است .

کارهایی مانند ؛ کفن فروشی ؛ قصابی ، صیادی ، حجامی و نظائر اینها که موجب مساوت قلب و از بین رفتن حس رحمت است و هم چنین پیشههایی مانند ؛ صرافی که ممکن است منجر بر با شود و زرگری که ممکن است به غش و تقلب منتهی گردد اسلام اینگونه شغلها و پیشهها را در صورتیکه ضرورت اجتماعی پدیدانکند مکروه قرار داده است و کارهایی از قبیل تجارت ، دام داری ؛ صناعت و کشاورزی را مستحب اعلام کرده است که از عبارات ذیل ، ارزش و ترغیب باین امور روشن میگردد: امام صادق فرمود : « **ترك التجارة ينقص العقل** » یعنی ؛ ترك تجارت ، عقل را کم میکند ، (۱) .

امیر المؤمنین فرمود : « **تعرضوا للتجارة فان فيها غنى لكم عما في ایدی الناس** » یعنی ؛ تجارت کنید ؛ زیرا شما را از مردم بی نیاز میسازد ، (۲) .

امام صادق فرمود : « **ان الله جعل ارزاق انبيائه في الزرع والضرع** یعنی خداوند ؛ روزی پیمبران خود را در زراعت و دامداری قرار داد ، (۳)

امام صادق فرمود : « **الكيمياء الاكبر الزراعة** یعنی ؛ کیمیای بزرگ ؛ زراعت است ، (۴)

هارون واسطی میگوید: از امام صادق پرسیدم: فلاحین کیانند؟ فرمود: «زارعها که گنجهای خدادار زمین میباشد و هیچ کاری نزد خدا محبوب تر از زراعت نیست؛ روی همین جهت خداوند تمام پیامبران خود را از زارعها انتخاب کرد جز ادریس را که دوزنده بود» (۱)

از پیغمبر پرسیدند: کدام مال بهتر از همه است؟ فرمود: «آنچه از زراعت بدست بیاید، آنگاه پرسیدند بعد از زراعت چی؟ فرمود: «آنچه از دامداری بدست بیاید» (۲)

این بود نظر اسلام درباره آزادی انتخاب شغل و پیشه و ترجیح بعضی از شغلها البته تفصیل این بحث را بایستی در کتب فقهی جستجو نمود.

(۱) وسائل ج ۲ ص ۴۳۱ (۲) کافی ج ۵ ص ۲۶۰.

عواقب گناه

حضرت رضا (ع) میفرماید: کَلِمَا أَحْدَثَ الْعِبَادَ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْلَمُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ .

یعنی: هنگامیکه مردم دست بجنایتها و گناهای بی بزند که در اجتماع آنها بی سابقه بوده است (مرتکب آنها نمیشدند) در اینصورت خداوند بآنها بلاهایی نازل خواهد کرد که در میان آنها سابقه ای نداشته است.

(نقل از اصول کافی)